

# Social empowerment in informal urban settlements based on assets

Rahim Hashempour \*

Associate Professor, Faculty of Architecture and Urbanism, Imam Khomeini International University (IKIU), Qazvin, Iran

Mahsa Seyfaei

PhD. Student, Faculty of Architecture and Urbanism, Imam Khomeini International University (IKIU), Qazvin, Iran

Negin Salehi

PhD. Student, Faculty of Architecture and Urbanism, Imam Khomeini International University (IKIU), Qazvin, Iran

Corresponding author's email address: \*  
hashempour@arc.ikiu.ac.ir

## How to cite this article:

Rahim Hashempour, Mahsa Seyfaei, Negin Salehi, Social empowerment in informal urban settlements based on assets, *Journal of Engineering and Construction Management (JECM)*, 2022, 7(1):66-74.

## Abstract

One of the domains of urban unsustainability is informal settlements, which are unfortunately rapidly taking develop in Iran as a symbol of urban poverty. These settlements also create a chaotic view in the city and inflict extensive social, economic, and cultural damage on the entire of the city. The important point is to identify the basic solution to get out of this dilemma. This cannot be left to its own devices and it was not answered with a cross-sectional and selective approach. Weakness in the urban management, illegal actions, inefficiency of current policies are the main obstacles to taking a transparent path. Different approaches have been implemented in the planning system in different countries to reduce this problem. The Global Development Report identifies the empowerment of the poor and investment in their assets are top priorities in optimizing the lives of those living in these areas. There is ample evidence of the relationship between empowerment and reliance on assets and macro-level development. The purpose of this study was providing a process pattern of residents' empowerment based on social capital and assets. Therefore, with a descriptive-analytical method, the potential capabilities and assets of the poor have been analyzed by using documentary studies on informal settlements and solutions to achieve empowerment based on social capital have been presented. The results show that informal settlements carry certain social-participatory capacities and empowerment of the inhabitants of these contexts leads to effective development in the body of these contexts and Social capital, with a wide range of assets was one of the effective factors, increasing the general quality of life. Achieving this requires reducing inequalities by investing in the capabilities and potential assets of the poor and gaining their trust, creation of an institutional mechanism for their learning and participation and strong organizations.

## Keywords

Informal settlements, empowerment, assets, social capital

# توانمندسازی اجتماعی در سکونتگاه‌های غیررسمی شهری با تکیه بر دارایی‌ها

رحیم هاشم‌پور \*

دانشیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران

مهسا سیفایی

دانشجوی دکتری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران

نگین صالحی

دانشجوی دکتری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران

تاریخ دریافت: 1401/03/01، تاریخ پذیرش: 1401/03/21

## ارجاع به مقاله:

رحیم هاشم‌پور، مهسا سیفایی، نگین صالحی، توانمندسازی اجتماعی در سکونتگاه‌های غیررسمی شهری با تکیه بر دارایی‌ها، مهندسی و مدیریت ساخت، 1401، 7 (1): 66-74.

## چکیده

یکی از زمینه‌های ناپایداری شهری، سکونتگاه‌های غیررسمی است، که در ایران به عنوان نمادی از فقر شهری با سرعتی شتابان در حال شکل‌گیری است. این سکونتگاه‌ها منظره‌ی آشفته و بی‌نظمی در شهر ایجاد کرده و لطمات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی گسترده‌ای را بر کل شهر تحمیل کرده‌اند. نکته دارای اهمیت، شناسایی راهکار اساسی خروج از این معضل است. این امر را نه می‌توان به حال خود رها نمود و نه می‌توان با برخورد مقطعی و گزینشی پاسخگوئی آن شد. ضعف مدیریت شهری، برخوردهای غیرقانونی، ناکارآمدی سیاست‌های کنونی از جمله موانع اصلی گام‌نهادن در مسیری شفاف است. رویکردهای متفاوتی در نظام برنامه‌ریزی در کشورهای مختلف در کاهش این مساله بکار گرفته شده است. گزارش توسعه جهانی، توانمندسازی اقشار فقیر و سرمایه‌گذاری در دارایی‌های آنان را از اولویت‌های اصلی در بهینه‌سازی زندگی ساکنین این بافت‌ها مطرح کرده است. قرائن زیادی از رابطه میان توانمندسازی با تکیه بر دارایی‌ها و توسعه در سطح کلان اجتماعی حکایت دارد. هدف از این مطالعه ارائه الگوی فرآیند توانمندسازی ساکنین بر مبنای سرمایه اجتماعی و دارایی‌ها بوده است. در این مقاله سعی شده تا با اتخاذ روش توصیفی-تحلیلی، توانمندی‌های بالقوه و دارایی‌های اقشار فقیر با استفاده از مطالعات اسنادی، پیرامون سکونتگاه‌های غیررسمی و راهکارهای دستیابی به آن ارائه شود. نتایج، نشان داده سکونتگاه‌های غیررسمی، حامل ظرفیت‌های اجتماعی- مشارکتی معینی هستند و توانمندسازی ساکنین از طریق دارایی‌های محلی به توسعه اثربخش در کالبد این بافت‌ها نیز منتهی شده است. سرمایه اجتماعی، با طیف گسترده- ای از دارایی‌های نهفته در آن، مؤلفه‌ای تأثیرگذار بوده که در ابعاد عینی ناظر بر بالابردن سطح کیفیت زندگی عمومی شده است. تحقق این مهم مستلزم کاهش نابرابری‌ها از طریق سرمایه‌گذاری در قابلیت‌ها و دارایی‌های بالقوه اقشار فقیر و جلب اعتماد آن‌ها، خلق سازوکاری نهادی برای فراگیری و مشارکت و سازمان‌های قوی آنها است.

## کلمات کلیدی

سکونتگاه‌های غیررسمی، توانمندسازی، دارایی‌ها، سرمایه اجتماعی



7 (1), 2022

دوره 7، شماره 1

تابستان 1401

دوفصلنامه پژوهشی

مهندسی و مدیریت ساخت

## 1-1- بیان مساله

شهرنشینی شتابان دوره معاصر، پدیده های مختلفی را برای زندگی بشر ایجاد کرده است، یکی از مسائلی که با زندگی شهری پیوندی عمیق دارد، سکونتگاه های غیررسمی است که نمود فضایی روند شهری شدن فقر را در بردارد. سکونتگاه های غیررسمی دارای مشکلاتی جدی و پایدار هستند؛ اغلب خانوارهای ساکن در این بافت ها زیر خط فقر قرار دارند، بعد خانوار و تراکم جمعیتی در این مناطق بالاتر از میانگین شهری بوده که مشکلات بهداشتی و آلودگی محیط زیستی نیز در پی داشته است. امروزه با هر نگاهی و نه تنها نگاه اقتصادی به شهرهای جهان، در می یابیم که بی توجهی و متروکه شدن اینگونه بافت ها، زیان های بیشماری به شهرها، چه کوچک و چه بزرگ تحمیل می نماید. زیان هایی که صرفاً کمی نیستند و بعضاً جنبه کیفی هم دارند. زمانی راهکارهای رهایی از این بافت ها شامل تخریب فضای زیستی ساکنان این بافت بوده است، که متأسفانه این شیوه برخورد مشکلات را دوچندان کرد. امروزه، استفاده از اصول مدیریتی و اقتصادی به همراه اصول جامعه شناختی و به ویژه با دیدگاه مشارکتی، می تواند در حل مشکلات سکونتگاه های غیررسمی، راهگشا باشد. تجربه نشان داده است که برنامه های تک بعدی و یک جانبه، نه تنها مشکلات را برطرف ننموده، بلکه مشکلی جدی در سیستم های زیستی شهری به دنبال داشته است. در این بین، نقش و اثرات توانمندسازی جامعه محلی می تواند در برنامه ریزی شهرها بسیار تعیین کننده باشد. به طوری که اجرا و پیشبرد هر نوع برنامه از پیش تعیین شده و نظارت، حفظ و نگهداری از آنها با اهرم مشارکت شهروندان تحقق خواهد یافت [1]. در چنین راهبردی، مهندسی اجتماعی با حمایت و تسهیل بخش عمومی و تسریع و میانجیگری سازمانهای غیردولتی و محلی ۱ و مشارکت فعال و مستقیم بهره برداران موردنظر است [2]. بر اساس رویکرد توانمندسازی، دولت ها زمینه و تسهیلات بهبود شرایط فقرا را شکل داده و این اجتماعات فقیر هستند که «خود»، راه ارتقای خود را می یابند. در واقع توانمندسازی، ایجاد چارچوب های قانونی، نهادی، اقتصادی، مالی و اجتماعی برای افزایش کارایی اقتصادی و کارآمدی اجتماعی در توسعه درونزا است [3]. رهیافتی نوین که دیگر مهندسی ساختمان و تنها، تزییق منابع مالی را راهگشا نمی داند، بلکه بر مهندسی اجتماعی با حمایت و تسهیل بخش عمومی و سازمان های غیردولتی و محلی و مشارکت فعال افراد جامعه محلی نیز، تأکید فراوان دارد [4-5].

## 1-2- ضرورت موضوع

اسکان غیررسمی یکی از چهره های بارز فقر شهری است که در مجاور شهرها به شکلی خودرو و فاقد مجوز ساختمان و برنامه های رسمی شهرسازی و با تجمعی از افراد کم درآمد و سطح نازلی از کمیت و کیفیت زندگی شکل گرفته است. متأسفانه محیط زندگی این ساکنین پذیرای ناپهنجاری ها و برانگیزاننده آسیب های اجتماعی است [6]. رویکردهای مختلفی نسبت به مسائل این بافت ها مانند

سیاست جابه جایی، نظم بخشی، توسعه شهری و اسکان زاغه ها و ... انجام شده، اما متأسفانه موفقیتی حاصل نشده است. با شکست سیاست ها در اواخر دهه 1980، رهیافت توانمندسازی مطرح شد، در این رویکرد افراد ساکن در این نوع سکونتگاه ها نه به عنوان یک معضل بلکه به عنوان یک دارایی اجتماعی نگریسته و ارتقای وضعیت اجتماعی- اقتصادی آن ها را با نقش تسهیل گر دولت بر عهده خود آن ها گذاشته است تا تحقق و توانمندسازی را جایگزین فرهنگ استحقاق و فرهنگ فقر بنماید [7]. در ایران پدیده اسکان غیررسمی عمدتاً به دهه های 1320 باز می گردد و با وجود تهیه سند توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاه های غیررسمی در سال 1382، همچنان این بافت ها درگیر مسائل مختلف بوده اند. فقدان الگوی مناسب در فرآیند این رویکرد، عدم شناسایی دارایی ها و قابلیت های ساکنین این بافت ها، فقدان بستر و زمینه های مطلوب برای رویکرد توانمندسازی منجر به عدم کارایی مطلوب این رویکرد در کشورمان شده است.

## 1-3- اهداف

راهبرد توانمندسازی، در پی ظرفیت سازی در اجتماعات برای توانمند نمودن آن ها، برای حل مشکلات با اندیشه و منابع خود آنها است. هدف از مطالعات این پژوهش، شناسایی مسیری روشن است تا این رویکرد، بتواند در این گونه بافت ها به موفقیت دست یابد. اولویت سنجی و تقدم و تاخر مراحل رویکرد توانمندسازی و هماهنگی راهکارها با شرایط بافت و طرح های شهری بسیار حائز اهمیت است. اهداف پیش رو در این پژوهش؛ 1- تدوین الگوی فرآیند توانمندسازی دارایی مینا، در سکونتگاه های غیررسمی و 2- افزایش تمرکز بر قابلیت ها و دارایی های ساکنین در رویکرد توانمندسازی بوده است.

## 2- روش پژوهش

روش پژوهش به کار رفته، توصیفی - تحلیلی و به لحاظ ماهیت کاربردی است. ابزارهای تدوین، مبتنی بر بهره گیری از روش اسنادی - کتابخانه ای و پیمایشی بوده است. در مطالعات اسنادی از منابع داخلی و خارجی موجود در رابطه با اسکان غیررسمی، راهبردهای توانمندسازی و سرمایه اجتماعی استفاده شده است.

## 3- پیشینه تحقیق

مسعود و حق وردیان با بررسی محله استخر عینک رشت، بر نقش سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی سکونتگاه های غیررسمی تأکید کرده اند [8]. در این پژوهش مشخص شده، میان سرمایه اجتماعی، توانمندسازی سکونتگاه های غیررسمی، امنیت اجتماعی، خدمات عمومی و بهداشتی، ارتقای شرایط اجتماعی و فرهنگی و افزایش حس تعلق رابطه معنا داری وجود دارد. همچنین سرگزایی با بررسی سکونتگاه های غیررسمی در محله شیرآباد زاهدان، مدل مفهومی به منظور امکان سنجی توانمندسازی این محله براساس سرمایه اجتماعی پیشنهاد داده است [9]. وی در این مدل، رابطه عمیقی میان ابعاد مختلف توانمندسازی (کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی) با ابعاد سرمایه اجتماعی (شبکه های رسمی و غیررسمی، همکاری، اعتماد و مشارکت) نشان داده است.

ایزبندی<sup>آ</sup>(2016) در مقاله خود یکی از سکونتگاه های غیررسمی در اندونزی را جزء نمونه های موفق در توانمندسازی با تاکید بر سرمایه اجتماعی معرفی کرده است [10]. فرآیند توانمندسازی در این بافت به صورت مرحله ای و در بازه زمانی بلند مدت انجام شد و هدف اصلی در توانمندسازی ساکنین این محله، بهبود کیفیت سطح زندگی ساکنین خانواده ها و ایجاد فرصت شغلی مناسب برای جوانان به منظور کاهش اشتغال کودکان و افزایش مهارت آموزشی در آن ها بوده است. مرحله اول این فرآیند ایجاد ارتباط قوی میان جامعه بیرونی و ساکنین محدوده بوده و در مرحله دوم تدوین برنامه‌ی جامع، پیرامون افزایش فرصت های اقتصادی متنوع شکل گرفت. در مرحله سوم شکل دهی گروه‌های سرمایه‌گذار به منظور ایجاد حمایت و انگیزه و در مرحله چهارم کمک کردن به گروه های جوان برای ایجاد فرصت های فعال کارآفرینی بوده است. وجود حمایت های دولتی و نقش پررنگ مدیران شهری در مراحل اول به منظور سرمایه گذاری و ایجاد فرصت شغلی جدید نقش بسیار موثری در جلب اعتماد ساکنین این محدوده و افزایش مشارکت آن ها داشته است. همچنین مشکینی [11] در مقاله "ساماندهی سکونتگاه های غیررسمی با شیوه توانمندسازی"، سرمایه اجتماعی را در راهکارهایی چون، تقویت ساختار شبکه باسازی و بهسازی معابر، زیباسازی محله، کاهش میزان فاصله دسترسی به خدمات رفاه عمومی از طریق ایجاد خدمات در زمین های مخروبه با استفاده از نیروی کار ساکنین، آموزش مهارت های فنی جهت کارآفرینی جوانان محله، تشکیل صندوق های تعاونی و تشکل های مردمی در میان ساکنین، کمک به شکل گیری تشکل های مردمی، توسعه مراکز اجتماعی و فرهنگی و تقویت میزان ارتباط بین دستگاه های مدیریت شهری و تشکل های مردمی حائز اهمیت دانست. دانشجو [12] بر نقش تسهیل کننده و هدایتگر بخش دولتی-عمومی، تدوین فرآیند تسهیل جریان امور و مشارکت فراگیر، بسیج منابع درون اجتماعات و خودیاری حمایت و هدایت شده، حق اقامت و امنیت در سکونت به همراه مسئولیت پذیری مدنی، تقویت بنیان های اقتصادی-اجتماعی خانواده با تاکید بر مسکن و اشتغال، رویکرد جامع و قابل گسترش و آینده نگر، تقویت و نقش و وظیفه نهادهای مدیریت محلی در فرآیند توانمند سازی تاکید موکد داشته است. فرلندر و تایمز [13] در تحقیقی با عنوان "شبکه های محلی و سرمایه اجتماعی"، رابطه بین شبکه های محلی و سرمایه اجتماعی (شبکه ها، حمایت و اعتماد) در اجتماعات محلی را مورد بررسی قرار دادند. تحلیل نشان داد که سطح نسبتاً پایینی از سرمایه اجتماعی در بین پاسخگویان وجود دارد. همچنین تعداد کمی از پاسخگویان، خود را از طریق اجتماع، شناسایی کردند و حس تعلق به آن دارند. گاریپ [14] در پژوهشی موضوع مهاجرت روستا-شهری را با دیدگاه سرمایه اجتماعی بررسی کرده و معتقد است که سطوح و توزیع منابع سرمایه اجتماعی به تغییر در پویایی اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی مناطق روستایی منجر شده است. مورگان [15] در مقاله ای تحت عنوان "سهم سازمانهای دولتی در بنگلادش در توسعه سرمایه اجتماعی و توانمندسازی جامعه" که به بررسی سازمانهای دولتی به

خصوص آموزش و پرورش پرداخت و به این نتیجه رسید که ظرفیت سازمانهای غیردولتی برای توسعه سرمایه اجتماعی و توانمندسازی به دلیل شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور محدود است. عباس زاده و گوهری [16] در مقاله ای تحت عنوان «توانمندسازی سکونتگاههای غیر رسمی با تکیه بر سرمایه اجتماعی، (نمونه موردی؛ شهرک شهید باهنر مشهد)»، به این نتیجه رسیدند که تغییر نگرش ساکنین را می‌توان به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل در مشارکت پذیری مردم در توانمندسازی شهرک شهید باهنر برشمرد. خاکپور و همکاران [17] در مقاله ای تحت عنوان «نقش سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار محله ای (نمونه موردی: کوی سجاده مشهد)» به این نتیجه دست یافتند که می‌توان با تقویت سرمایه اجتماعی به پایداری محله ای دست یافت. نیازی و نصرآبادی [18] در مقاله ای تحت عنوان «توانمندسازی براساس راهبرد سرمایه اجتماعی» به این نتیجه رسیدند که از آنجا که سرمایه اجتماعی تبلور سازمانی مبتنی بر اعتماد و مشارکت افراد است، بنابراین هر گونه اقدامی از طرف مدیران برای غنی سازی فرهنگ سازمانی می‌تواند موجب افزایش سرمایه اقتصادی شود. عبدالهی [19]، در مقاله ای تحت عنوان «ارزیابی ابعاد اجتماعی محله های شهری در چارچوب دیدگاه سرمایه اجتماعی؛ مورد پژوهی محله های شهر شیراز»، سازمان فضایی منتج از شرایط و تحولات تاریخی محله های شهری در چارچوب الگوی مورد انتظار از توسعه پایدار محله‌های را نشان می‌دهد که در پی تغییرات و شرایط فعلی حاکم بر محله های شهری، بعد اجتماعی به ویژه حس تعلق، تعهد اجتماعی، مشارکت مدنی و اعتماد اجتماعی دچار واگرایی اساسی شده است. پیری و رضاییان [20] در مقاله ای با عنوان «امکانسنجی توانمندسازی سکونتگاههای غیررسمی بر بنیان سیاست های دارایی مبنای توسعه اجتماعات محلی» به این نتیجه رسیدند که مؤلفه‌های سیاست دارایی مبنای توسعه اجتماعات محلی (سرمایه اجتماعی، سرمایه کالبدی و سرمایه مالی)، در توانمندسازی سکونتگاههای غیررسمی تأثیر معنی داری دارند.

### 3-1- مفاهیم و ادبیات نظری

اسکان غیررسمی به عنوان گونه‌ای از الگوی سکونت در شهرها و حاشیه‌ی آن، چنان رشد مخاطر آمیزی دارد که از اوایل دهه 1970 تاکنون، کمیسیون‌های مختلفی مانند کمیسیون اسکان بشراسان ملل متحد، در جهت چاره اندیشی، به فعالیت های مختلفی در این زمینه پرداخته‌اند. در سال های آخر دهه 1980، سیاست های آزاد سازی و تثبیت اقتصادی به طور عام و سیاست های مسکن مربوط به آن به طور خاص مورد نقد قرار گرفت و ضرورت تغییر آنها آشکار شد. این تغییر به طور کلی به لزوم ایجاد تعادل بین نقش بخش خصوصی و عمومی و عدم تکیه یک جانبه بر یکی از آنها توجه دارد، چراکه مناسبترین الگوی مشارکت مردم در سکونتگاه‌های غیررسمی، مدل



7 (1), 2022

دوره 7، شماره ۱

تابستان 1401

دوفصلنامه پژوهشی

مهندسی و مدیریت ساخت

نوسازی و بازسازی اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی به منظور "توانمندسازی" ساکنان است [1].

توانمندسازی، زمینه سازی برای ارتقای شرایط اجتماع محلی از راه گسترش و بکارگیری ظرفیت‌های موجود است. لذا در گذر زمان و با شکست رویکردهای گذشته به چاره جویی برای سکونتگاه‌های غیررسمی، در رویکردهای نوین توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی، تأکید زیادی بر تقویت سرمایه اجتماعی شده است. از این رو توانمندسازی از طریق سرمایه اجتماعی سبب ایجاد قابلیت در افراد و گروه‌های ناتوان برای مشارکت فعال و آگاهانه در تامین رفاه فردی و اجتماعی می شود [21]. رویکرد توانمندسازی در مفهوم عام خود سه جنبه کلی را در بر می گیرد؛ اول در چارچوب توانمندسازی بازار، دوم توانمندسازی سیاسی که از راه تمرکززدایی اداری-اجرایی، اصلاح نهادی و مدیریتی، به کارگیری سازمان های غیردولتی<sup>3</sup> و توانمندسازی سازمان های مبتنی بر جوامع محلی<sup>4</sup> حاصل می شود. برگزیدن راهبردهای توانمندسازی بازار و اجتماع، در پی رفع موانع سیاسی و اجرایی است [22]. راهبرد توانمندسازی، بخشی از مباحث وسیع تر پیرامون حاکمیت (حکروایی) خوب شهری<sup>5</sup> است [1]. (ایراندوست 1392) و سوم، توانمندسازی اجتماع محلی، که از سوی دولت های محلی و ملی برای هماهنگی و تسهیل کوشش-های سازمانهای اجتماع محلی برای برنامه ریزی و اجرای طرح های آنها از راههای اصولی دنبال می شود [22]. حاصل توانمندسازی، توسعه اجتماع محلی است که نوعی نگرش به توسعه از پایین است و از طریق سازمان‌های غیردولتی قابل تحقق است. زیربنای این امر، سازماندهی اجتماع محلی، و نیازمند بسیج قابلیت‌های درون‌زای اجتماع است. در این مورد، بهره گیری از سرمایه اجتماعی<sup>6</sup> مورد توجه قرار می گیرد [22]. برای توانمندسازی در این معنا نیاز به مقتدرسازی<sup>7</sup> است که به مفهوم گسترش آزادی در انتخاب و عمل است و افزایش امکانات و دارایی‌های فقرا جهت مشارکت در مذاکره، اعمال نظر، کنترل و حفظ پیوند با نهادهای مسؤولین است که در زندگی آنها تأثیر گذار می باشد [22]. بسترگشایی از جانب مدیریت و برنامه ریزی شهری ضرورت توانمندسازی است. تأمین خدمات، تأمین حق مالکیت، اعتمادسازی، حرکت جهت تشکیل سرمایه‌ی انسانی، آگاه-سازی، آموزش عمومی، نهادسازی و ایفای نقش تسهیل کنندگی و حمایتی بخش دولتی و عمومی، مهم است.

#### 4- یافته های پژوهش

#### 4-1- چهار عنصر کلیدی توانمندسازی در بافت های غیررسمی

هزاران نمونه از رویکردهای توانمندسازی وجود دارند که توسط مردم فقیر، دولت ها، جامعه مدنی و بخش خصوصی

اجرا شده اند. تلاشهای موفق برای توانمندسازی مردم فقیر، آزادی آنان برای انتخاب و اقدام را در حوزه های مختلف افزایش می دهد، که اغلب در چهار مولفه به شرح زیر طبقه بندی می شود: 1. دسترسی به اطلاعات، 2. مشارکت و فراگیری 3. پاسخگویی و مسئولیت پذیری 4. ظرفیتهای سازمانی محلی این عناصر ارتباط تنگاتنگی با هم دارند و به صورت هم افزا عمل می کنند. بنابراین، گرچه دسترسی به موقع به اطلاعات در خصوص برنامه ها یا درباره عملکرد دولت یا فساد، پیش شرط لازم عمل و اقدام است؛ با این وجود، فقرا یا شهروندان ممکن است به صورت گسترده اقدام نکنند، زیرا سازوکارهای نهادی برای عملکرد مسئولانه وجود ندارد و از سوی دیگر، هزینه های اقدام فردی نیز ممکن است زیاد باشد. همچنین تجربه نشان می دهد که افراد فقیر در فعالیت‌هایی که آنها می دانند، مشارکت آنان تأثیر چندانی در تصمیمات ندارد، شرکت نمی کنند، زیرا سازوکارهایی برای پاسخگو کردن ارابه دهندگان خدمات وجود ندارد. حتی در مواقعی که سازمان‌های محلی قوی نیز وجود داشته باشد، هنوز هم ممکن است پیوند آنان با دولت‌های محلی و بخش-های خصوصی به دلیل عدم توانایی برای دسترسی به اطلاعات قطع شود [23]. به همین دلیل است که حضور فعال برنامه ریزان و شهرسازان در توانمندسازی ساکنین بسیار ضروری می نماید.

اصلاحات دولتی که از سرمایه گذاری در زمینه بهبود زندگی افراد فقیر و سازمان‌های آنان حمایت می کند، باعث بهبود دستاوردهای توسعه، مانند حکمرانی، کارکرد بهتر و فراگیرتر خدمات، دسترسی عادلانه تر به بازارها، تقویت جامعه مدنی و سازمانهای فقرا و افزایش دارایی‌ها و آزادی انتخاب آنان می-شود. اصلاحات نهادی برای حمایت از توانمندسازی فقرا به معنای تغییر و دگرگونسازی روابط بین دولت و فقرا و سازمان‌های آنان است. چنین اصلاحاتی در سرمایه گذاری بر دارایی‌های فقرا و قابلیت‌های آنان اعم از قابلیت‌های فردی و ظرفیت‌های جمعی، به منظور سازماندهی و توانمندسازی آنان برای مشارکت مؤثر در جامعه و تعامل با دولت تأکید دارد؛ به گونه ای که این فرایند باعث تقویت حکمرانی طرف تقاضا شود. اصلاحات دولتی، در سطح ملی و دولتی، بر قوانین و مقررات، ضوابط، سازوکارهای نهادی، ارزش‌ها و رفتارهای دولتهای محلی عمدتاً تأکید دارند که از چهار عنصر توانمندسازی حمایت می کند. تغییر و دگرگونی در قوانین و مقررات رسمی باید با سایر اقدامات برای توانمندسازی مردم و سایر شهروندان به منظور تعامل مؤثر با دولت‌ها و پیش حکمرانی ارتباط داشته باشد.



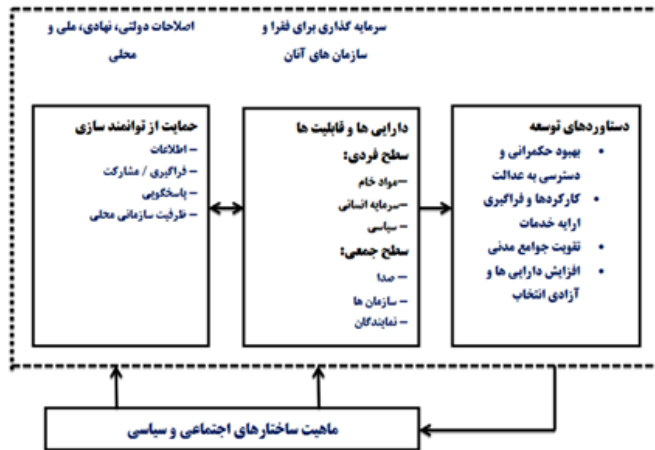
7 (1), 2022

دوره 7، شماره ۱

تابستان 1401

دوفصلنامه پژوهشی

مهندسی مدیریت ساخت



نمودار شماره 1: چارچوب توانمندسازی با تکیه بر دارایی ها و قابلیت ها [23]

اقدام به موقع است (نه داشتن یک برنامه آماده حجیم راهبردی) و تفکر و اقدام راهبردی (در مقایسه با اقدام یا تفکر تاکتیکی و عملیاتی) به فعل و انفعالات و موفقیت کلی یک مجموعه توجه دارد نه یک بخش از یک مجموعه [27].

#### 3-4- الگوی زنجیره راهبردی دارایی ها: نوعی توانمندسازی

##### اقتصادی و اجتماعی دارایی- مینا

دارایی، عبارتست از هر چیز با ارزشی که قابل در اختیار گرفتن باشد. دارایی ها، مالی، غیرمالی، ملموس، غیرملموس و نیروی انسانی می باشند. شرط مهم برای شکل گیری مفهوم دارایی، قابلیت در اختیارگیری است. مادامی که یک چیز با ارزش قابل در اختیارگیری نباشد، جزء دارایی ها محسوب نخواهد شد [26]. درالگوی زنجیره راهبردی دارایی ها، دارایی ها به پنج گروه تقسیم می شود، به نحوی که هر گروه، تکامل یافته گروه مادون در مقیاس استراتژی می باشد: الف - دارایی های پایه: پایین ترین سطح دارایی ها، دارایی های پایه<sup>9</sup> نام دارد. ب- قابلیت ها: منابع و فرآیندهایی که امکان ایجاد ارزش را برقراری کنند. دارایی های پایه چنانچه در ارتباط با اهداف توانمندسازی باشند، جزء قابلیت ها می باشند. ج - شایستگی ها: قابلیت ها به میزانی که در ایجاد ارزش نقش داشته باشند به سطح شایستگی ها ارتقاء خواهند یافت. شایستگی ها آن بخش از دارایی ها هستند که سبب ایجاد ارزش می شوند. قابلیت هایی می توانند به سطح بالاتر (شایستگی) ارتقاء یابند که سکونتگاه غیررسمی را در ارایه ارزش بیشتر (مطلوبیت بیشتر با هزینه کمتر) توانمند سازند. د - شایستگی های کلیدی: شایستگی ها آنگاه کارساز خواهند بود که ارزش بیشتری (نسبت به رقیب) ایجاد کنند. به این شایستگی ها، شایستگی های کلیدی اطلاق می شود. ه - مزیت های رقابتی: ارایه شایستگی های کلیدی باید به تمایز بافت مسئله دار و بافت جدید شهر بیانجامد. در این حالت منافع بالقوه به فعلیت خواهند رسید. کارکرد راهبردی توانمندسازی عبارتست از جریان دادن دارایی های سکونتگاه های غیررسمی در زنجیره راهبردی تا، دستیابی به مزیت رقابتی و ارزش افزوده (مالی، غیر مالی). هرچه میزان تبدیل دارایی - های پایه به مزیت رقابتی بیشتر باشد، بهره وری راهبردی دارایی ها بیشتر خواهد بود [26].

#### 4-2- راهبرد توانمندسازی در سکونتگاه های غیر رسمی

راهبرد توانمندسازی، مجموعه ای از تصمیم های سازگار، هماهنگ و یکپارچه در زمینه های مختلف است. در این معنا، راهبرد یک دستورالعمل کاری جامع و یکپارچه ایجاد می کند و به صورت یک سری از تصمیمات عمده متوالی ظاهر می شود. راهبرد، یک مفهوم چند بعدی است که تمام فعالیت های کلیدی را در بر می گیرد و اساس وحدت، یکپارچگی و هدفمندی فعالیت ها است [24]. اگر راهبرد توانمندسازی به درستی تنظیم شود، در تخصیص و هدایت منابع به صورتی یگانه و بالنده و بر پایه توانمندی ها و نارسایی های نسبی، دگرگونی های محیطی پیش بینی شده و حرکت های اقتصادی هوشمند، مؤثر خواهد بود [25]. مفهوم راهبرد، زاینده فضای رقابتی و محدودیت منابع است [26]. ماهیت راهبرد، تشخیص فرصت های اصلی و تمرکز منابع برای تحقق منافع نهفته در آنهاست. بدون دستیابی به فرصت ها، منافی در کار نخواهد بود [27]. فرصت ها صرفاً زاینده عوامل محیطی نیستند و قابلیت ها نیز در شکل گیری آن ها نقش مؤثری دارند [26]. تصمیمات راهبردی آن گونه تصمیم هایی هستند که مسیر کلی حرکت بهسازی و بقای نهایی آن را در پرتو دگرگونی های قابل پیش بینی، غیرقابل پیش بینی و نامشخص که ممکن است در محیط های در خور توجه پدید آیند، معین می کنند [27]. هنری مینتزرگ یکی از بزرگ ترین تأثیرگذاران در ظهور رویکردهای نوین راهبرد با نظریات خود، پایه رویکردهای کلاسیک را متزلزل ساخت و به جای آن، ساختار نوینی از مفاهیم راهبرد را ایجاد کرد [28]. به اعتقاد وی «راهبرد اثر بخش» حاصل سنتز ذهنی است و فرایندهای تحلیلی نمی توانند پدید آورنده آن باشند [29]. لذا فرایندهای برنامه ریزی راهبردی، برنامه تولید می کنند، نه راهبرد [30]. در چهار چوب نظریات مینتزرگ راهبرد اثر بخش، یک پدیده خلاقانه است که انسان ها (راهبردی پردازان) سازنده آن هستند و نه فرایندهای برنامه ریزی و برای این امر باید به جای برنامه ریزی به توسعه تفکر راهبردی پرداخت. مینتزرگ نیز همانند برخی از صاحب نظران، راهبردهای برنامه ریزی شده<sup>8</sup> را از راهبردهای خودجوش متمایز می داند و بر تفاوت آن ها تأکید دارد [30]. در نگرش راهبردی، تأکید بر تفکر و



تنها راه حفظ و ارتقای دارایی ها ، قرار دادن آن در زنجیره راهبردی دارایی هاست . در این الگو باید با چرخشی راهبردی ، حرکت را از نقطه پایین زنجیره دارایی راهبردی دوباره آغاز کرد "دارایی پایه" به "مزیت رقابتی" و "ایجادکننده ارزش افزوده برای شهر" تبدیل شوند [31]. هنگامی که امکان حرکت روبه بالا در زنجیره راهبردی دارایی ها وجود ندارد، باید به عقب بازگشت و حرکت را از نقطه پایین تری در زنجیره مجدداً آغاز کرد (چرخش راهبردی)، حلقه های ضعیف این زنجیره را تشخیص داد و به تقویت آن پرداخت . اگر دارایی حرکت خود را در زنجیره از دست دهد ( قابل ارتقاء به رده بالاتر نباشد)، باید به دارایی دیگری که امکان حرکت در زنجیره راهبردی دارایی ها و دست یافتن به مزیت های رقابتی را داشته باشد تبدیل شود [24]. امروزه قابلیت های کلیدی<sup>11</sup> اساس مزیت های رقابتی را تشکیل می دهد.

#### 4-4- قابلیت ها و دارایی های اقشار فقیر ساکن در سکونتگاه

##### غیررسمی

زنان و مردان فقیر به طیفی از دارایی ها و قابلیت ها برای افزایش رفاه و امنیت خود و همچنین اعتماد به نفس نیاز دارند، تا بتوانند با گروه های قوی تر مذاکره و چانه زنی کنند. با توجه به اینکه فقر پدیده ای چند بعدی است به همین دلیل دارایی ها و قابلیت ها در این زمینه بسیار حائز اهمیت هستند. دارایی ها مبین دارایی های مادی به شکل دارایی های فیزیکی و مالی است. کمبود شدید دارایی های مالی و فیزیکی مردم فقیر، قابلیت های آنان را برای چانه زنی منصفانه محدود می کند و آسیب پذیری آنان را افزایش می دهد. از سوی دیگر، قابلیت ها، ویژگی ذاتی مردم است و آنان را قادر می سازد تا دارایی های خودشان را به روش های مختلف برای افزایش رفاه خود به کار گیرند. از مهم ترین قابلیت های انسانی می توان به بهداشت و سلامت مناسب، آموزش، تولید یا سایر دارایی ها مهارت افزا اشاره کرد. از قابلیت های اجتماعی نیز می توان به تعلق اجتماعی، هدایت و رهبری، روابط مبتنی بر اعتماد متقابل، احساس هویت، ارزش هایی که به زندگی معنا می بخشد و ظرفیت برای سازماندهی، اشاره کرد. قابلیت های سیاسی نیز، شامل ظرفیت انتقال نظرات به دیگران، دسترسی به اطلاعات، تشکیل انجمن ها و مشارکت در حیات سیاسی جامعه و کشور می باشد. دارایی ها و قابلیت می توانند به صورت انفرادی یا اشتراکی باشند. با توجه به نارسایی صدای افراد فقیر و ناتوانی آنان و همچنین موانع متعدد اجتماعی، حتی در بسیاری از دموکراسی های رسمی نیز فقرا نمی توانند از فرصت ها برای سرمایه گذاری در دارایی های خود یا حقوق فردی خود بهره ببرند. برای مردم فقیر، ظرفیت سازماندهی و بسیج قابلیت ها، قابلیت های جمعی برای حل

مشکلات محسوب می شود که به آنان کمک می کند تا بر مشکلات کمبود منابع و در حاشیه قرار گرفتن در جامعه چیره شوند. سرمایه های اجتماعی، شبکه ها و هنجارها که امکان اقدامات جمعی و مشارکتی را فراهم می سازند، این امکان را برای فقرا فراهم می کنند تا دسترسی خودشان را به منابع و فرصت های اقتصادی افزایش دهند و به خدمات اساسی و مشارکت در حکمرانی محلی دست پیدا کنند. البته تفاوت های جنسیتی مهمی در سرمایه های اجتماعی که مورد نیاز برای این رو یارویی هستند، وجود دارد. سرمایه اجتماعی درون گروهی فقرا، پیوندهای بسته و سطوح بالای اعتماد با سایر افراد مشابه خودشان، بالا است. این پیوندهای بسته درون گروهی، به فقرا کمک می کند تا با شرایط فقیرانه شان کنار بیایند. در برخی موارد، گروه های مردم فقیر، پیوندها و ارتباطات نزدیکی با سایر گروه های غیر شبیه خود برقرار می کنند تا پل های ارتباطی با سایر منابعی که توسط گروه های دیگر اداره می شوند، ایجاد کنند. به صورت سنتی، این پیوندهای نابرابر هستند که این موضوع به سابقه و پیشینه این روابط بر می گردد. زمانی که سازمان های فقرا با سایر سازمان های دولتی، جامعه مدنی یا بخش خصوصی ارتباط برقرار می کنند، در این صورت این ارتباط آنان را قادر می سازد تا به منابع اضافی و مکملی دسترسی پیدا کنند و در این شرایط به صورت کامل تر و همه جانبه تری در جامعه مشارکت می کنند.

اساس موفقیت در توانمندسازی استفاده از ظرفیت های درونی و پتانسیل های مکان در ابعاد مختلف است. توجه به یکپارچگی فضای اجتماعی حاشیه نشینان در گرو استفاده از توان و استعداد ساکنان است، در نتیجه تلاش های موفقیت آمیز به منظور توانمند کردن مردم فقیر باعث افزایش آزادی انتخاب و عمل آنها در بافتهای مختلف می شود. مشارکت و شمول، پاسخگویی و ظرفیت سازی محلی، عناصر مشترک رویکرد توانمندسازی هستند، که البته حضور فعال نقش تسهیل گری دولتی امری حیاتی است. آغاز فرآیند توانمندسازی در این بافت ها می تواند براساس ایجاد درک درست ساکنین از توانمندی های خودشان شکل بگیرد. در این فرآیند سیاست ها باید به سمت استراتژی های تشکیل سرمایه اجتماعی سوق یابند که می تواند در سایه مشارکت مردمی و با ظرفیت سازی و ایجاد نهادهای لازم و بالابردن توانمندی های گروه های اجتماعی ( از طریق برنامه های آموزشی، بهداشتی، اجتماعی، اقتصادی و ...) انجام شود [16]. از این رو می توان راهبردهای توانمندسازی ساکنین با تکیه بر سرمایه اجتماعی در سکونتگاه های غیررسمی شهری را بدین صورت تعریف نمود:



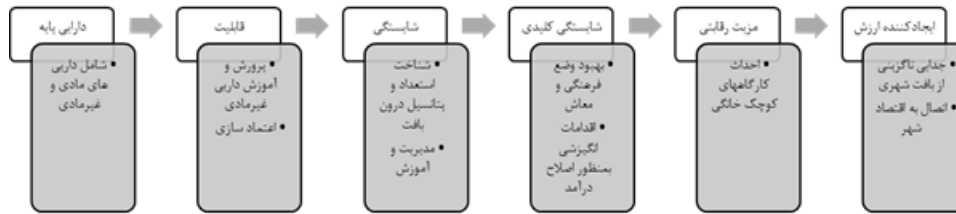
7 (1), 2022

دوره 7، شماره 1

تابستان 1401

دوفصلنامه پژوهشی

مهندسی عمران و معماری



نمودار 2 الگوی فرآیند ارتقای ارزش سکونتگاه غیررسمی بعنوان دارایی پایه به مزیت رقابتی ماخذ: نویسندگان

جدول 1 راهبردهای توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی در سکونتگاه‌های غیررسمی شهری

مولفه	بعد	راهبرد
توانمندسازی اجتماعی	مشارکت	ایجاد مشارکت جامع شهروندان در مقیاس محلی
		افزایش مشارکت عمومی در فراهم سازی و اجرای برنامه های شهری
		افزایش برابری اجتماعی
	آموزش و آگاهی رسانی	حمایت از گروه های دولتی و NGOها
		توجه به آموزش همگانی
		ارائه آموزش عمومی برای کمک به نیروی کار
توانمندسازی اقتصادی	کاهش مشکلات اجتماعی	ایجاد دسترسی به اطلاعات عمومی
		افزایش آگاهی نسبت به حفاظت محیط زیست و پیرامون
		دور کردن جرم و جنایت از محیط های شهری
	سلامتی و بهداشت	ارتقای امنیت اجتماعی
		ارتقای وضعیت سلامتی ساکنین
		ایجاد پیوند احساسی میان ساکنین با کاربران فضا
توانمندسازی اقتصادی	رفاه اجتماعی	افزایش حس مسولیت ساکنین نسبت به بافت های شهری
		جلوگیری از مهاجرت به بافت های شهری
		افزایش کیفیت زندگی
	ایجاد تحرک اقتصادی	ایجاد پایه های اقتصادی متنوع
		جذب و افزایش بازگشت سرمایه به محله
		افزایش رقابت سرمایه گذاری در سطح محله نسبت به دیگر بخش های شهر
توانمندسازی اقتصادی	افزایش اشتغال و درآمد	افزایش ارزش ملک و اجاره بها
		افزایش نرخ اشتغال در سطح محله
		افزایش منابع درآمدی پایدار
	افزایش نفوذ پذیری و ترویج دسترسی ها	افزایش قدرت خرید مردم
		ایجاد و توسعه سیستم حمل و نقل عمومی در سطح بافت
		ساده سازی دسترسی به سرویس حمل و نقل
افزایش تنوع کاربری ها	ایجاد ایمنی و رعایت سلسله مراتب دسترسی	
	افزایش دسترسی به سطح بافت و ایجاد و تحرک رونق اجتماعی به منظور جلوگیری از انزوای بافت	
	ایجاد محیط های مسکونی مختلف و متنوع	
		طراحی محدوده های سکونتی جدید و ایجاد فرصت های توسعه در مجاورت بافت

## 5- نتیجه گیری

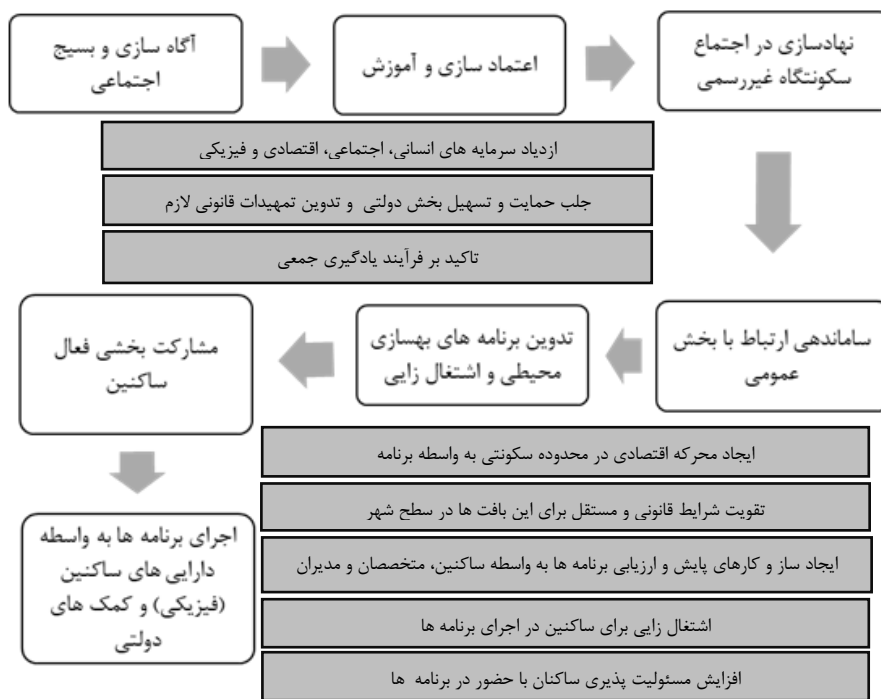
رویکرد توانمندسازی برای پیشرفت و تقویت مردم فقیر، در بطن توسعه قرار دارد و به ساکنین بافت های ناکار، به جای مشکل به عنوان یک منبع و راه حل مهم نگاه می کند. این رویکرد به هویت آنان ارجح نهاده و آن را به رسمیت می شناسد. این مفهوم بر تغییر و دگرگونی در عقاید و افکار و رفتارهایی دلالت دارد که بازیگران خارجی را وارد مباحث کاهش فقر می کند. بنابراین، روش توانمندسازی باید بر نقاط قوت مردم فقیر، دانش، مهارت‌ها، ارزش‌ها، نوآوری‌ها و انگیزه های آنان برای حل مشکلات و مدیریت منابع به منظور خروج از

گردونه فقر بنا نهاده شود. این رو یکرد با فقرا با احترام و متناسب با شأن و منزلت آنان رفتار می کند. بیشتر جوامع از نظر اجتماعی همگن نیستند و عمدتاً بر حسب گروه‌ها، قومیت، قبیله، دین و تفاوت‌های جنسیتی شناخته می‌شوند، به همین دلیل نیز راهبردهای نهادی برای توانمندسازی مردم فقیر، متفاوت خواهد بود. از مشخصه‌های برنامه‌ریزی اجتماع مینا، توجه به سرمایه‌های اجتماعی و انسانی است و برای شکل‌گیری و انباشت این سرمایه ها نیازمند یک ساختار محله گرا در بافت های غیررسمی در مدیریت و برنامه ریزی است. شهرسازی اجتماع مینا بر این نکته تأکید دارد که ساکنان بافت غیررسمی طی تجربه

مشترک می‌توانند بسیاری از نیازها و ضرورت‌های روزمره زندگی خود را تشخیص داده و در هماهنگی با مدیریت‌های سطوح بالاتر به ایجاد محلات شهری پایدار کمک کنند، این رویکرد هماهنگی بیشتری با زمان و فضا در مقیاس محلی دارد. لذا سرمایه اجتماعی یک شرط لازم برای شکل‌گیری توسعه سکونتگاه غیررسمی است؛ چرا که روابط و همبستگی میان ساکنین، ضمن رفع مسائل اجتماعی، کیفیت بافت‌های شهری را بهبود می‌بخشد و بعنوان مهم‌ترین عامل تسهیل‌همکاری و هماهنگی که دستیابی به اهداف را با هزینه کمتر امکان‌پذیر می‌سازد. پس از آنکه سرمایه اجتماعی در بافت موردنظر شکل گرفت، انگیزه‌های مالی، جریان‌های اقتصادی در بافت شکل خواهد گرفت. با توجه به تجارب متعدد دخالت در سکونتگاه‌های غیر رسمی، تزریق مستقیم منابع مالی در اینگونه موارد اثربخش نبوده و یا دارای اثرات کوتاه مدت بوده است. در حالی که چنانچه از دارایی خاص موجود در بافت بعنوان دارایی پایه استفاده شود و وارد چرخه اقتصادی اینگونه سکونتگاه‌ها شود احتمال اینکه وارد چرخه تولید مزیت نسبی شده، بسیار افزایش یافته و منجر به رشد اقتصادی

خواهد شد. بهره‌گیری از این دارایی‌ها در مرحله اول مستلزم شناسایی و کشف آن‌هاست، آموزش فراگیر به همراه اتخاذ تمهیدات لازم برای حمایت‌های اجتماعی و بهبود توزیع دارایی‌ها می‌تواند اثرات فقر شهری را در این سکونتگاه‌ها کاهش دهد. جلوگیری از تبعیض جنسیتی و افزایش سهم فعالیت‌های اقتصادی زنان، کارآفرینی در سکونتگاه‌ها با برگزاری دوره‌های آموزش فنی از طریق شناسایی توانمندی‌ها و استعدادها، ساکنین این بافت‌ها، کمک به بهبود کالبدی سکونتگاه با تکیه بر نیروی کار محلی و .... می‌تواند در این زمینه‌ها موثر واقع شود.

تقویت و افزایش نقش و وظیفه نهادهای محلی در فرآیند توانمندسازی، بازنگری سیاست‌های موجود و تامین فضای شهری برنامه ریزی شده برای اقشار کم درآمد و بازنگری در برخورد متداول بخش دولتی و عمومی، اعتماد سازی میان ساکنین بافت با بخش دولتی- عمومی، تاکید بر نقش تسهیل دولتی از طریق فرآیند تسهیل جریان امور و مشارکت فراگیر و توانمندسازی جامعه کم درآمد برای تامین نیاز هایشان، تقویت بنیان اقتصادی خانواده با اشتغال زایی از اصول مهم در افزایش توانمندی ساکنین بافت‌های غیر رسمی است.



نمودار 3 راهبردهای کلیدی در فرآیند توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی، ماخذ: نویسندگان

## 6- مراجع

- [1] توکلی، عباس، برآورد تقاضای مسکن شهری کشور در سال 1384، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علم و صنعت ایران، 1384.
- [2] شماعی، علی و پوراحمد، احمد، 1384، بهسازی و نوسازی شهری از دید علم جغرافیه، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول
- [3] صرافی، مظفر، به سوی نظریه‌ای برای ساماندهی اسکان غیررسمی. از حاشیه نشینی تا متن شهرنشینی، هفت شهر، سال سوم، شماره هشتم، تابستان 1381
- [4] Pugh, Cedric (Squatter Settlements, Their Sustainability, Architectural Contributions, and Socio-Economic Roles. In Cities vol. 17, no 5
- [5] هادی‌زاده بزاز، مریم، (ترجمه و تدوین) حاشیه نشینی و راهکارهای ساماندهی آن، شهرداری مشهد، 1382
- [6] فنی، زهره، صادقی، بدالله، 1388، توانمندسازی حاشیه نشینان در فرآیند بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری، فصل‌نامه جغرافیایی آمایش، شماره 7
- [7] صرافی، مظفر، به سوی تدوین راهبرد ملی ساماندهی اسکان غیررسمی - از پراکنده کاری گزینشی تا همسویی فراگیر، مجله هفت شهر، شماره 9 و 10، 1381
- [8] جوان، جعفر، 1382، نگرشی بر نحوه ساماندهی حاشیه کلان شهرها (نمونه: کلان شهر مشهد)، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، شماره اول، صص 51-73
- [9] مسعود، محمد، حق وردیان، فاطمه، 1391، نقش سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی (مطالعه موردی: پیرامون محله عینک رشت)، چشم انداز جغرافیایی (مطالعات انسانی)، سال هفتم، شماره 18، بهار 1391، صص 138-140
- [10] سرگزایی جوان، طیبه، هادیانی، زهره، 1395، امکان سنجی توانمندسازی محله‌های اسکان غیررسمی از طریق افزایش سرمایه اجتماعی در محله شیرآباد شهر زاهدان، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال شانزدهم، زمستان 1395، شماره 63.



- [21] پیری، عیسی، رضاییان، مهدی، 1393، امکان سنجی توانمندسازی سکونتگاه های غیررسمی بر بنیان سیاست های دارای مبنای توسعه اجتماعات محلی مطالعه موردی: سکونتگاه های غیررسمی کلانشهر تبریز. فصلنامه مدیریت شهری، دوره 3، شماره 10
- [22] اسدی محل جالی، م ، 1394، تبیین اصول و روش های توانمند سازی مردم در اجتماع های محلی ، همایش شهرسازی فرهنگ گرا، دانشگاه شیخ بهایی، اردیبهشت ، اصفهان
- [23] Burgess, Rod & Marisa Carmona & Theo Kolstee (1997), *Contemporary Policies for enablement and Participation: A Critical Review in: Borgess, Rod and at al(Eds)*
- [24] بانک جهانی، کتاب مرجع، 1394، توانمندسازی کاهش فقر، ترجمه پوراصغر سنگاپین، فرزام، رمضانی، جواد، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، زمستان 1394، چاپ اول.
- [25] برانکو، دی ؛ درانو، دی ، اقتصاد استراتژی، ترجمه دکتر محمود متوسلی، چاپ اول، جلد دوم، 1384، تهران سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، 1385
- [26] مسعودی، عبدالله، نمکی، مقدا. مطالعات محله دربند، آران و بیدگل، گزارش پژوهشی، 1386
- [27] غفاریان، وفا، استراتژی اثربخش، تهران، انتشارات رسا، 1382
- [28] رحمان سرشت، حسین، مدیریت راهبردی در اندیشه نظریه پردازان، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، 1383
- [29] خداداد حسینی، حمید، عزیزی، شهریار، مدیریت و برنامه ریزی استراتژیک، چاپ اول، تهران، انتشارات صفار، 1385
- [30] کریتر، استوارت، دیدگاههای کلیدی در مدیریت، ترجمه حسین نژاد، محمدعلی، چاپ دوم، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی، 1385
- [31] میننرگ، هنری، جیمز، رابرت ام، مدیریت استراتژیک، ترجمه صائبی، محمد، چاپ سوم، تهران، موسسه مالی آموزشی، مدیریت و برنامه ریزی، 1382
- [32] پورتر، مایکل ای، استراتژی رقابتی، ترجمه مهریویا عباسی، چاپ دوم، تهران ، انتشارات رسا، 1385
- [11] Isbandi Rukminto, Adi, 2018, *Youth Empowerment in the Poor Community of Urban Areas, International Conference on Social and Political Issues (ICSPI 2016)*
- [12] مشکینی، ابوالفضل، سجادی، ژیلا، دین دوست، جواد، تفکری، اکرم، 1390، ساماندهی سکونتگاه های غیررسمی به شیوه توانمندسازی (نمونه موردی باقر شهر - محله باباجعفری)، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال 26، شماره سوم، پاییز 1390.
- [13] دانشجو، خسرو، اسلاهی، غلامرضا، 1392، اسکان غیررسمی و راهبرد توانمندسازی درونی (توسعه درون زا)، هویت شهر، شماره سیزدهم، سال هفتم، بهار 1392، صص 5-11.
- [14] Ferlander, S., & Timms, D. (2001). *Local nets and social capital. Telematics and Informatics, 18(1), 51-65*
- [15] Garip, F. (2007). *From migrant social capital to community development: A relational account of migration, remittances and inequality (Doctoral dissertation, Princeton University)*
- [16] Islam, M. R., & Morgan, W. J. (2012). *Non-governmental organizations in Bangladesh: their contribution to social capital development and community empowerment. Community Development Journal, 47(3), 369-385.*
- [17] عباس زاده، ش. و گوهری، ح، 1387، توانمندسازی سکونتگاههای غیررسمی با تکیه بر سرمایه اجتماعی (نمونه موردی: شهرک شهید باهنر مشهد)، اولین کنفرانس اقتصاد شهری ایران 30 اردیبهشت، مشهد 1-16
- [18] خاکپور، براتعلی، مافی، عزت الله، باوان یوزی و همکاران، 1388، نقش سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار محلی (نمونه کوی سجادیه مشهد). نشریه جغرافیا و توسعه ناحیه ای، بهار و تابستان
- [19] نیازی، محسن، نصرآبادی محمد کارکنان، 1388، توانمندسازی براساس راهبرد سرمایه اجتماعی، نشریه تدبیر، شماره 203، فروردین
- [20] عبداللهی، مجید، 1392، ارزیابی ابعاد اجتماعی محله های شهری در چارچوب دیدگاه سرمایه اجتماعی؛ مورد پژوهی محله های شهر شیراز، مدیریت شهری، شماره 32

- 1 CBOs & NGOs
- 2 Isbandi
- 3 NGOs
- 4 CBOs
- 5 Governance Good Urban
- 6 capital social
- 7 empowerment
- 8 deliberate
- 9 Basic properties
- 10 core competencies

#### COPYRIGHTS

©2022 by the authors. Published by **Journal of Engineering & Construction Management (JECM)**. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)